

تجربه زیسته زنان شاغل در کارگاه‌های تولیدی

علی اصغر درویشی فرد*، میترا جسک**، خدیجه فیضی پور***

تاریخ دریافت: ۹۴۸/۱۰/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۵/۹/۲۹

چکیده

مقاله حاضر به بررسی تجربه زیسته زنان شاغل در کارگاه‌های تولیدی (خیاطی) و مسائل و مشکلاتی که آنان مواجه هستند پرداخته است. این مطالعه به روش تحقیق کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی انجام شده است. مصاحبه‌های باز و بدون ساختار با زنان صورت گرفته که در طی آن تجربیات آن‌ها از موضوع بیان شده است. حجم نمونه ۱۵ نفر می‌باشد و تعداد این حجم، با رسیدن به اشباع نظری پایان یافت. داده‌های به دست آمده با روش تماتیک تحلیل و تفسیر شد. از تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش از طریق روش تماتیک، چهار تم اصلی پیرامون مسائل و آسیب‌های زنان شاغل در کارگاه‌های تولیدی استخراج شد که در واقع تصویری سازمان یافته از تجربیات آنان است. این تم‌ها عبارتند از: عدم احساس امنیت، نبود امنیت شغلی و حمایت‌های اجتماعی کارآمد، تعدد مسئولیت‌ها و نقش‌ها و ضعف

* مددکاری اجتماعی فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی. (نویسنده مسئول). darvishi68.swork@gmail.com

asare.feizi@gmail.com

jask.mitra@gmail.com

** مددکار اجتماعی شاغل در پایگاه خدمات اجتماعی.

*** مددکار اجتماعی شاغل در پایگاه خدمات اجتماعی.

مهارت‌های اجتماعی و زندگی. نتایج تحقیق بیانگر آن است که اکثریت زنان مرتبط با موضوع تحقیق دارای شرایط ابتدایی دشواری بوده و به‌گونه‌ای در معرض آسیب هستند و زمانی که زمینه‌های اشتغال مناسب و مشارکت اجتماعی اصولی آنان در مکان‌هایی نظیر کارگاه‌های تولیدی، فراهم نمی‌شود مسائل و مشکلات آنان مضاعف می‌شود. در واقع شرایط و ویژگی‌های حاکم بر محیط کار به‌گونه‌ای است که زمینه شکل‌گیری تنش و آسیب‌پذیری هرچه بیشتر زنان را موجب می‌شود.

واژه‌های کلیدی: زنان کارگر، کارگاه‌های تولیدی، مسائل و آسیب‌های

اجتماعی، تجربه زیسته

طرح مسئله

مسائل، مشکلات و آسیب‌های جامعه در حال افزایش است و جامعه دستخوش پیامدهای نامطلوب آن می‌باشد. در این میان زنان به دلایل مختلف جزء آسیب‌پذیرترین گروه‌های مردم هستند. در این رابطه به مواردی اشاره می‌کنیم. بر طبق آمارهای رسمی و غیررسمی میزان طلاق در جامعه بخصوص در چند دهه اخیر روند روبه‌رشدی داشته است و شاهد خانواده‌های تک سرپرست و زنان مطلقه‌ای هستیم که به‌ناچار برای تأمین هزینه‌های زندگی می‌بایست وارد بازار اشتغال شوند. تجربه‌ها حاکی از آن است که در سال‌های اخیر وضعیت اعتیاد و سوء‌مصرف مواد در خانواده‌ها بالا رفته و از پیامدهای اساسی آن می‌توان به متارکه، ترک منزل از سوی مردان، طلاق و نظایر آن اشاره کرد. هرچند که آسیب‌پذیری زنان صرفاً به این موارد ختم نشده و سوی دیگر قضیه آن است که در سال‌های اخیر شاهد افزایش سرسام‌آور تورم بوده‌ایم و قدرت خرید خانواده‌ها به‌شدت پایین آمده است و درآمد مردان خانواده دیگر پاسخگو نیست. بنابراین بخشی از زنان بالاجبار می‌بایست وارد بازار اشتغال و کسب درآمد شوند و این در حالی است که اولاً، تمامی این زنان امکان اشتغال در بازار کار رسمی را ندارند و

بخش زیادی می‌بایست در مشاغل غیررسمی و به اصطلاح سطح پایین مشغول به کار شوند. ثانیاً، بسیاری از آن‌ها تخصص، مهارت و سرمایه لازم جهت حضور در مشاغل مناسب را ندارند. ثالثاً، حمایت‌های اجتماعی که توسط نهادهایی نظیر کمیته امداد، بهزیستی و نظایر آن اعمال می‌شود، بسیار کم‌رنگ بوده و پاسخگوی حداقل نیازهای آن‌ها نیست. جامعه جهانی امروز توجه ویژه‌ای به وضعیت زنان دارد و تأکید بر برقراری عدالت اجتماعی و بهبود اوضاع نیروی کار زنان و ایجاد رفاه برای آن‌ها، در زمره اهداف آن قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، با توجه به جهت‌گیری نظام جمهوری اسلامی برای حضور فعال زنان در عرصه جامعه، چگونگی تأثیرپذیری آنان از پدیده جهانی شدن سؤالی مهم تلقی می‌شود. از شواهدی که نمایانگر توجه نظام جمهوری به افزایش نقش و مشارکت زنان در جامعه است، بند ۳ سند چشم‌انداز بلندمدت توسعه است. این بند از سند چشم‌انداز تبدیل ایران به کشوری دارای فرصت‌های برابر و نهاد مستحکم خانواده و به‌دوراز تبعیض را از ویژگی‌های اساسی ایران در افق ۱۴۰۴ مدنظر قرار داده است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۷). کنفرانس محیط‌زیست و توسعه سازمان ملل در قرن ۲۱ (UNCED)، پیشرفت و قدرتمندی زنان شامل "قدرت تصمیم‌گیری و مشارکت زنان" را عامل کلیدی توسعه پایدار تلقی می‌کند (Oxaal & Baden, 1997: 6). مطالعات علمای اجتماعی نشان می‌دهد که دستیابی به توسعه پایدار بدون مشارکت فعال زنان امکان‌پذیر نیست و حضور زنان در همه عرصه‌های زندگی اعم از خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی امری ضروری است (طاعتی، ۱۳۸۹: ۱۲). و این در حالی است که در بیشتر این عرصه‌ها نقش زنان نادیده گرفته شده و مورد تبعیض قرار می‌گیرند. پایین‌تر بودن موقعیت اجتماعی زنان نسبت به مردان موجب نارضایتی زنان، ناکارایی و انعطاف‌ناپذیری بازار کار، افزایش فقر و عدم دسترسی زنان به فرصت‌های مناسب شغلی متناسب با توانایی‌ها و استعدادها می‌گردد (توکلی والا، ۱۳۸۸: ۱۲). حال اگر این موضوع با خودسرپرستی زنان، سطح پایین سواد و عدم تخصص همراه شود باعث روی آوردن اجباری به فعالیت‌هایی نظیر

کارگاه‌های تولیدی می‌شود که اشتغال زنان در این کارگاه‌ها خود مشکلات فراوانی را به بار می‌آورد. به عبارت دیگر: «مشاغل زنان در بازارهای کار، دومین تمرکز را یافته است. این بازارها شامل شغل‌های مختلف بی‌ثبات است، تأمین شغل و دستمزدها در آن اندک بوده، فرصت‌های کمی برای پیشرفت و ترفیع شغلی وجود دارد و شرایط کار غالباً نامناسب است» (گیدنز، ۱۳۷۳: ۵۴۶). عدم دسترسی زنان به شغل مناسب و یا دستمزد پایین، نه تنها بر موقعیت زنان و بسیاری از متغیرهای اجتماعی تأثیر می‌گذارد، بلکه بر بی‌عدالتی جامعه نیز دامن می‌زند، زیرا عدم دسترسی زنان به فرصت‌های شغلی مناسب به معنای تبعیض در جامعه بوده و تبعیض از موانع تحقق توسعه به شمار می‌آید و عامل بسیار مهمی در سد نمودن راه رشد و تعالی انسان است (توکلی والا، ۱۳۸۸: ۴). شواهد و تجربیات کار با زنان در معرض آسیب حاکی از تبعیض علیه زنان و مسائل و آسیب‌های فراوان آنان در کارگاه‌های تولیدی است. به طوری که این امر از لحاظ علمی و رویکرد اجتماعی تاکنون مورد بررسی جدی قرار نگرفته و ارزیابی‌ها عمدتاً مبتنی بر تصورات ذهنی و اطلاعات کم‌وبیش سطحی بوده است. عدم وجود چنین تحقیقاتی در ایران می‌تواند نشان‌دهنده توجه ناکافی به اوضاع زنان شاغل باشد (طاعتی، ۱۳۸۹: ۴-۵). در جامعه فعلی ایران بسیاری از زنان هستند که شاغل‌اند و از تمام مزایا و حقوق کاری بهره‌مندند. زنان مشاغل رسمی (در بخش‌های دولتی و خصوصی) با حقوق بالا و یا حداقل دارای مزایای بیمه و حمایت‌های اجتماعی که تعدادشان کم هم نیست و قوانین برای آن‌ها اجرا می‌شود. هدف این تحقیق بررسی این طیف از زنان نیست، بلکه جامعه هدف تحقیق زنانی هستند که به دلایل مختلف نظیر فوت همسر، اعتیاد همسر، ازکارافتادگی همسر و... بالاجبار در کارگاه‌های تولیدی مشغول می‌باشند. این مقاله باهدف آسیب‌شناسی این نوع اشتغال و بررسی، توصیف و تفسیر درک افراد موردمطالعه در ارتباط با کارگاه‌های تولیدی می‌باشد. در واقع شناخت تجربه زیسته افراد در ارتباط با کار در کارگاه‌های تولیدی و مسائل و مشکلات مترتب بر آن مدنظر است. سؤالات پژوهش نیز عبارتند از:

- ۱- فضای حاکم بر کارگاه‌های تولیدی چگونه است؟
- ۲- ویژگی‌های عمومی زنان شاغل در کارگاه‌های تولیدی و دلایل اشتغال آنان کدامند؟
- ۳- مسائل و مشکلات زنان شاغل در این کارگاه‌ها کدامند؟

پیشینه پژوهشی موضوع

بامداد (۱۳۷۵) در مقاله‌ای با عنوان "عوامل مؤثر بر میزان اشتغال زنان در شهرستان‌های کشور" نتیجه گرفت که بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی در جامعه با افزایش میزان اشتغال زنان همراه است. همچنین وجود تبعیضات فرهنگی و به خصوص تفاوت‌های اجتماعی بین زن و مرد، مانع جدی در افزایش مشارکت اقتصادی زنان است.

هادیان و حیدر پور (۱۳۷۵) در مقاله‌ای با عنوان "توسعه اقتصادی و سهم زنان در نیروی کار" نتیجه می‌گیرند که در مراحل اولیه توسعه، مشارکت در نیروی کار اندک است و با افزایش درجه توسعه‌یافتگی این سهم افزایش می‌یابد.

شادی طلب و وهابی (۱۳۸۴) در مطالعه‌ای با عنوان "فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار" بیان می‌کنند که وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار این تصویر را تقویت می‌کند که آن‌ها فقیر هستند.

ربیعی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد باهدف شناخت آثار ایفای نقش‌های چندگانه بر سلامت روان زنان سرپرست خانوار دستفروش مترو نتیجه گرفت که تعدد نقش از یکسو به دلیل ایجاد حس مفید بودن بخشی از نیازهای روانی آنان را تأمین کرده و موجب گسترش عاملیت توانمندی و خودباوری شده و از سویی دیگر نمی‌توان از پیچیدگی و دشواری تعدد نقش و مشکلاتی که برای این زنان ایجاد می‌کند غافل ماند.

معیدفر و حمیدی (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان "زنان سرپرست خانوار: ناگفته‌ها و آسیب‌های اجتماعی" بیان می‌کنند که در جوامعی مانند ایران که به‌طور معمول مردان نان‌آور خانواده بوده و زنان به خانه‌داری مشغول‌اند آنچه موجب شده سرپرستی زنان خانوار به‌عنوان یک مسئله اجتماعی شناخته شود، مشکلات و موانعی است که در دنیای بیرون بر سر راه سرپرستی زنان به وجود آمده و موجب می‌گردد زنان سرپرست خانوار به‌عنوان قشر آسیب‌پذیر شناخته شوند.

بهجت یزدخواستی و وکیل احمدی، در سال ۱۳۸۶ به بررسی وضعیت فعالیت و اشتغال زنان در، ایران با تأکید بر سرشماری ۱۳۸۵ و ارائه چارچوبی کلی مبتنی بر آمار و اطلاعات در مورد اشتغال زنان در ایران پرداخته‌اند.

لادن نوروزی (۱۳۸۲) در تحقیق خود به عدم تعادل‌ها و تفاوت‌ها در ساختار اشتغال و بازار کار ایران پرداخته و یکی از ویژگی‌های این بازار را مشارکت ناچیز زنان در مقایسه با مردان ذکر کرده است.

هر دو تحقیق یادشده، بر حقایقی در جامعه تأکید دارند از جمله این که، تعداد کثیری از دختران فرصت ازدواج نخواهند داشت. نرخ طلاق نیز رو به افزایش است و بر تعداد خانوارهای زن سرپرست، افزوده خواهد شد. این خانوارها با احتمال بیشتری زیرخط فقر قرار می‌گیرند و انواع آسیب‌های اجتماعی زندگی آن‌ها و افراد تحت سرپرستی آنان را تهدید می‌نماید. این عوامل در کنار بالا رفتن سطح تحصیلات دختران، بر تقاضا و ضرورت اشتغال زنان می‌افزاید.

رکسانا بهرامی تاش، در مطالعات متعدد خود راجع به وضعیت اقتصادی زنان در ایران و جهان، به افزایش اشتغال زنان بعد از دهه ۱۹۹۰ نسبت به قبل از انقلاب اسلامی، اشاره می‌کند. وی بخشی از این تغییرات را تحت تأثیر رفع موانعی می‌داند که انقلاب اسلامی موجب شده است، از جمله: ترویج آموزش عمومی و نهضت سوادآموزی و افزایش زنان در آموزش عالی نسبت به مردان. در اشتغال بخش عمومی نیز نرخ مشارکت زنان افزایش یافت و این افزایش

مشارکت در نیروی کار را منطبق با تئوری‌های فمینیستی می‌داند (Bahramitash, 2003, 2005, 2007). ژانت مامسن نیز از محققان در حوزه زنان، در کتاب خود (۲۰۰۴) به تأثیرات جهانی شدن، گسترش ایدئولوژی و گرایش‌های سیاسی نئولیبرالیستی و سرمایه‌داری در ساختارهای متفاوت اشتغال زنان در جوامع توسعه‌یافته و در حال توسعه می‌پردازد، وی معتقد است که از اثرات بارز آن‌ها، ترویج تبعیض جنسیتی بازار کار، افزایش بیکاری و تنزل موقعیت اقتصادی - اجتماعی زنان است.

"به‌سوی رهبری بهبودیافته جهت توانمندسازی زنان در آفریقا" عنوان گزارش سارا لانگوی و روی کلارک (۱۹۹۹) است (ضیایی، ۲۷:۱۳۹۲). هدف اصلی این گزارش ایجاد «شاخص توانمندسازی زنان» (Index) است، که به‌منظور ساخت شاخص کمی پیشرفت زنان به سمت برابری جنسیتی در آفریقا ایجاد شده است. در اینجا شاخص توانمندسازی زنان با توجه به میزان حضور آنان در پست‌های رهبری (مدیریتی) موردسنجش قرار می‌گیرد. این شاخص از داده‌های موجود استفاده نموده و ابزاری را به دست می‌دهد تا بتوان وضعیت توانمندسازی زنان در بین دو کشور را مقایسه نمود و وضعیت پیشرفت آن‌ها به سمت برابری جنسی را زیر نظر داشت. برای بررسی انواع مختلف شاخص‌های توانمندسازی زنان، این گزارش بین «اتکاء به نفس» و توانمندسازی تمایز قائل می‌شود. این شاخص به‌وسیله داده‌هایی نظیر تحصیلات، میزان درآمد، سهم آن‌ها در صنعت موردسنجش قرار می‌گیرد. توانمندسازی به‌وسیله داده‌های مربوط به پست‌های تصمیم‌گیری تصدی شده توسط زنان در دولت سنجیده می‌شود: به‌طور مثال نمایندگی مجلس، پست‌های بالای مدیریتی. یکی از هدف‌های این گزارش بررسی رابطه بین اتکاء به نفس و توانمندسازی است. عقل سلیم می‌گوید افزایش اتکاء به نفس زنان منجر به توانمندسازی آنان می‌شود. اگر به‌طور مثال میزان تحصیلات دانشگاهی را یک شاخص اتکاء به نفس در نظر بگیریم و درصد زنان نماینده مجلس را شاخص توانمندسازی در نظر بگیریم، دریافت همگانی این است که افزایش تحصیلات دانشگاهی زنان میزان نمایندگی آن‌ها در مجلس را افزایش می‌دهد.

فرضیه وجود رابطه علی بین اتکاء به نفس و توانمندسازی زنان، اساس بسیاری از استراتژی‌های مربوط به اقدامات انجام شده در زمینه پیشرفت زنان است، اما یافته‌های این گزارش حاکی از آن است که این فرضیه درست نیست. این گزارش نشان می‌دهد که هیچ رابطه‌ای بین این دو وجود ندارد.

کیود (۲۰۰۶) در مقاله "آموزش از راه دور به‌عنوان یک استراتژی در توانمندسازی زنان در آفریقا" نشان می‌دهد که افزایش میزان تحصیلات و باسواد ساختن زنان در نیجریه یک استراتژی مؤثر برای توانمند ساختن آنهاست. با توجه به این که گروهی از زنان این کشور فرصت دستیابی به آموزش از راه نزدیک (چهره به چهره) را ندارند، مقاله به این نتیجه می‌رسد که آموزش از راه دور بهترین استراتژی است. در پایان، نگارنده مقاله این گفته اوکیکه (۱۹۹۵) را نقل می‌کند که می‌گوید: "تحصیلات مؤثرترین استراتژی برای افزایش توانمندسازی زنان است". در گزارش سازمان ملل متحد در زمینه توسعه انسانی نیز آمده است که در شبه‌صحرای آفریقا، آموزش مؤثرترین راه برای توانمندسازی زنان است.

مبانی نظری تحقیق

تئوری‌های نوکلاسیک: این دسته تئوری‌ها برای تشریح تفاوت‌های جنسیتی و این که چرا درآمد حاصل از کار زنان کمتر از مردان است به متغیرهایی نظیر مسئولیت‌های خانوادگی، نیروی جسمی، آموزش عمومی، آموزش فنی، ساعات کار، غیبت از کار و جابه‌جایی در کار تأکید می‌کنند که این متغیرها بهره‌وری کار و عرضه کار را تحت تأثیر قرار می‌دهند. اگر کارفرما معتقد باشد زن‌ها، به‌طور متوسط، بی‌ثبات‌ترند و قابلیت کمتری برای اعتماد دارند گرایش او بر این است که به اعمال تبعیض علیه زنان بپردازد، حتی اگر بداند که ممکن است در مورد بعضی از افراد اشتباه کند. هزینه فراهم کردن اطلاعات مشروح در مورد داوطلبان شغل منجر به استفاده از دیوارهای جنسی در برابر داوطلبان می‌گردد. به این طریق نوعی رفتار منفی یکنواخت همه زن‌ها را مجازات

می‌کند. تئوری‌های نوکلاسیک از این جهت حائز اهمیت است که بعضی از تفاوت‌های ناشی از بهره‌وری بین زن و مرد را که سبب می‌شود درآمد مردها بیش از زن‌ها باشد را روشن می‌کند (کار، ۱۳۷۳: ۱۵-۱۸).

- **تئوری‌های جنسیتی:** در نظریه‌های جنسیتی فرض اصلی این است که موقعیت زنان در بازار کار و در خانه و خانواده به یکدیگر هم‌بسته و جزئی از یک نظام کلی اجتماعی است که در آن زنان دنباله‌روی مردان‌اند. تأکید این نظریه‌ها بر این است که گرایش مشاغل زنانه، انعکاسی از نقش خانگی آن‌ها است و همان‌گونه که در بیشتر جوامع، کارخانگی کم‌ارزش انگاشته می‌شود، این مشاغل و مهارت‌ها نیز در بازار کار کم‌ارزش به حساب می‌آیند؛ افزون بر این، گرایش نظام‌های ارزیابی شغلی در تعیین ارزش کار بر این است که به ویژگی‌های مردانه، مانند نیروی جسمانی، بیش از مهارت و شکیبایی اهمیت داده می‌شود. وجود خصوصیات نظیر دستور پذیری بیشتر، شکایت کمتر از کار، علاقه بیشتر به کارهای تکراری و نیاز کم‌تر به درآمد (زنان معمولاً دومین نان‌آور خانواده محسوب می‌شوند) در زنان، منجر به اختصاص کارهایی با درآمد کم‌تر، مهارت پایین‌تر و نیز تأمین اجتماعی و پیشرفت کم‌تر به آنان می‌شود. (غلامی، ۱۳۸۸: ۳۳).

- **نظریه قشربندی جنسیتی ژانت چافتز:** چافتز یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان فمینیست است که سعی کرده تبیینی کاملاً علمی برای قشربندی جنسیتی ارائه نماید. نظریه قشربندی وی ترکیب کاملی از ثبات و تغییر است. چافتز در این نظریه سعی دارد نشان دهد قشربندی جنسیتی چگونه به وجود آمده و تداوم می‌یابد و از سوی دیگر این نظام در طول زمان دچار تغییر و تحول می‌شود. در این نظریه دو مؤلفه تداوم نظام و تغییر آن با یکدیگر عجین شده‌اند. چافتز بر دو نوع نیروی اساسی که فشارهای بنیانی و مهم را به کل نظام قشربندی تزریق می‌کنند، اشاره دارد. این دو نوع نیرو عبارتند از: (۱) نیروهای اجباری (۲) نیروهای اختیاری (Terner, 1999: 36). هرچند چافتز به‌طور

جداگانه درباره این نیروها بحث می‌کند اما حقیقتاً این نیروها به هم پیوسته‌اند عناصر اساسی نیروهای اجباری عبارتند از: تقسیم‌کار در سطح کلان، تقسیم‌کار در سطح خرد و تعاریف اجتماعی همچون ایدئولوژی جنسیتی، هنجار جنسیتی و باورهای قالبی. به‌طورکلی این تعاریف به بی‌ارزش کردن کار زنان چه درون خانه و چه خارج از آن می‌پردازند. مثلاً کارهای خانگی به لحاظ سنتی بدون مزد انجام می‌شوند. این وضعیت به بی‌ارزش کردن کار خانگی زنان منجر می‌گردد. از سوی دیگر مشاغلی که خارج از خانه عمدتاً به‌عنوان مشاغل زنانه تلقی می‌شوند مثل منشی‌گری، پرستاری، ... چون زنانه هستند در مقایسه با مشاغل مردانه دستمزد کمتری به آن‌ها تعلق می‌گیرد. نظام تعاریف اجتماعی جنسی در نظریه چافتز جایگاه بسیار مهمی دارد. درواقع این نظام تعریفی نقطه اتصال و پیوند سطح کلان و میانی فرایندهای اجباری قشربندی جنسیتی با سطح خرد فرایندهای اختیاری می‌باشد (همان: ۲۳۷).

عناصر اصلی این نظریه عبارتند از:

(الف) نظام تقسیم کلان کار جامعه.

(ب) تفوق مردانه در دستیابی به منابع قدرت.

(ج) تعاریف اجتماعی برای مقایسه زنان و مردان شامل ایدئولوژی جنسیتی و باورهای قالبی.

(د) جنسیتی کردن فرایندهایی که سوگیری، انتظارات و رفتارهای زنان و مردان را شکل می‌دهد.

از نظر چافتز پذیرش اختیاری جنسیتی کردن امور اجتماعی معمولاً از طریق فرایندهایی نظیر: (الف) تقسیم‌کار جنسیتی در زمینه خانگی و غیر خانگی درون مجموعه خانواده، (ب) مدل‌های نقش‌های جنسیتی که از سوی بزرگسالان در خانواده ارائه می‌شود (ج) جامعه‌پذیری مبتنی بر سوگیری جنسیتی توسط بزرگسالان در خانواده، افزایش می‌یابد. اما تغییراتی که در توزیع منابع رخ می‌دهد به تدریج موقعیت‌های زنان را تغییر می‌بخشد این تغییرات لزوماً ابتدا در حوزه جنسیتی رخ نمی‌دهد بلکه تغییراتی

نظیر تحول تکنولوژیک، تغییرات جمعیتی، تغییرات در ساخت سنی جمعیت، تغییر در ساختار اقتصاد و نیروهای ژئوپولیتیک نظیر جنگ و مهاجرت همگی می‌توانند بر نظام نابرابر جنسیتی فشار وارد نمایند. چافتز در نظریه خود نشان می‌دهد که چگونه تحول در ساختار جمعیتی، تکنولوژیک، سیاسی، اقتصادی یک جامعه می‌تواند به تغییر نظام نابرابر جنسیتی منجر شود. باورهای قالبی جنسیتی با تأکید بر تفاوت‌های زنان و مردان در نحوه پاسخ‌گویی به موقعیت‌های مختلف جنسیتی بر تشکیل هنجارهای جنسیتی فشار می‌آورد که نهایتاً به تشکیل باورهای قالبی در باب تفاوت‌های بین زن و مرد منجر می‌شود (همان: ۲۳۸).

- **نظریه زنانه شدن فقر:** طرفداران نظریه زنانه شدن فقر نشان می‌دهند زنان در شرایط سخت و طاقت‌فرسا کار می‌کنند که نه تنها این موضوع در همه کشورهای جهان گسترش یافته است بلکه روزبه‌روز به تعداد آن‌ها افزوده شده است. این مسئله حتی در کشورهایی که پیشرفته‌ترین قوانین را به نفع زنان داشته‌اند (کشورهای فمینیسم و یا دارای سیاست‌های موافق فمینیستی) دیده شده است. در این کشورها به‌رغم کمک‌های دولتی به این زنان فرایند فقیر شدن آنان همچنان ادامه دارد. از طرفی مشکلات این زنان عدم دسترسی به مشاغل با منزلت اجتماعی بالا است. این زنان یا مشاغل نیمه‌وقت کم‌درآمد دارند و یا اگر مشاغل دارای منزلت بالا داشته باشند، مسئله، تنظیم وقت برای انجام کارخانه و کار بیرون از خانه است. این مشکل را صاحب‌نظران، فقر زمانی نامیده‌اند و فقر زمانی اگر با فقر مادی همراه شود آسیب‌پذیری این قشر را دوچندان می‌کند (گیدنز ۱۹۸۹).

- **نظریه تواناسازی:** این نظریه بیشتر بر اساس شرایط کشورهای درحال توسعه و ناشی از تجربیات سازمان‌های دست‌اندرکار مسائل زنان طراحی شده است. محور اصلی این نظریه تغییر ساختار و شرایطی است که نابرابری را به زنان تحمیل می‌کند. این نظریه بر پیش‌فرض‌های زیر استوار است:

- ۱- ارتقاء توان برای اتکا به خود موجب افزایش قدرت آن‌ها خواهد شد.
- ۲- قدرت نشانه برتری فردبه‌فرد نیست، بلکه کنترل منابع مادی و غیرمادی می‌تواند به توزیع عادلانه‌تر و برابری کمک کند.

از نظر طرفداران این نظریه، برآورده ساختن نیازهای اساسی از حقوق اولیه تمام افراد است و هر فردی باید امکان آن را داشته باشد که از تمام توانایی‌ها و خلاقیت‌های خود استفاده کند. بنابراین زنان باید بیاموزند که با خودباوری و اعتمادبه‌نفس در پذیرش و توزیع مسئولیت‌ها، چه در خانواده و چه در جامعه شرکت کنند. آنان معتقد هستند زنان خود با ارتقاء آگاهی، مسئله مورد ستم قرار گرفتن را زیر سؤال می‌برند. این نظریه تلاش دارد با تواناسازی زنان از راه ترویج فکرهای نو، آموزش‌های مهارتی برای فعالیت در بخش‌های اقتصادی، ارتقاء آگاهی همه اعضای جامعه از نقش‌های زنان و بهبود سطح رفاه آن‌ها، پایه‌های استواری برای اقدامات بعدی در تأمین نیازهای راهبردی و حذف نابرابری در همه عرصه‌ها فراهم نماید (شادی طلب، ۱۳۸۰، ۱۰۹).

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش با روش کیفی انجام پذیرفته است و اطلاعات لازم با استفاده از تکنیک مشاهده و مصاحبه با جمعیت مورد مطالعه استخراج شده است. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش تمام زنان شاغل در کارگاه‌های تولیدی (خیاطی) منطقه ۱۵ می‌باشد. حجم نمونه ۱۵ نفر می‌باشد. فرایند گزینش نمونه‌ها ادامه پیدا کرد تا هنگامی که در جریان کسب اطلاعات هیچ داده جدیدی پدیدار نشد و به عبارتی داده‌های مورد نظر به اشباع رسیدند. در نهایت در تحلیل داده‌ها از روش تحلیل تماتیک و بر اساس شیوه ولکات استفاده شد. ولکات (۲۰۰۸ و ۲۰۰۸) طرح تماتیک ساده‌ای ارائه داده است. وی فرایند تحلیل داده‌ها را شامل سه مرحله عمومی توصیف، تحلیل و تفسیر در نظر می‌گیرد. در مرحله توصیف، داده‌ها در یک نظم و پیوستار زمانی قرار می‌گیرند. نظم مذکور می‌تواند بر اساس نظر محقق و یا مشارکت‌کننده در تحقیق باشد. در مرحله تحلیل، داده‌ها

سازماندهی، تنظیم و مقوله‌بندی می‌شوند. در مرحله تفسیر که آخرین مرحله از تحلیل ولکات است، تفسیرهای اصلی صورت گرفته و مقوله‌های اصلی استخراج می‌شوند.

اعتبار و روایی پژوهش

روایی کیفی به این معناست که پژوهشگر صحت یافته‌ها را با به کار بستن شیوه‌های خاص بررسی می‌کند، درحالی‌که پایایی کیفی به این معناست که رویکرد پژوهشگر با رویکرد پژوهشگران دیگر و همچنین در پروژه‌های دیگر یکسان و ثابت است (گیبس، ۲۰۰۷). کرس ول در ارتباط با صحت یافته‌ها مطرح می‌کند که پژوهشگر می‌بایست تا حد امکان از اثرات منفی پیش‌داوری دوری جوید و از بررسی توسط دیگر اعضا حاضر در پژوهش استفاده نماید و از یک ارزیاب بیرونی که در زمینه پژوهش موردنظر قابلیت سنجش آن را دارد، استفاده نماید. در این پژوهش موارد فوق حتی‌الامکان رعایت گردید. لینکلن و گویا (۱۹۸۵) اعتمادپذیری را از مهم‌ترین معیارها جهت افزایش باورپذیری و ارزیابی تحقیق کیفی می‌دانند. در این راستا، حضور طولانی‌مدت در میدان و مشاهده مداوم را از مهم‌ترین راهکارها جهت افزایش باورپذیری تحقیق می‌دانند، که در پژوهش حاضر اعمال گردیده است. همچنین پس از به دست آمدن یافته‌ها، محقق مجدد نتایج را به افراد حاضر در پژوهش ارجاع داد و از آن‌ها خواست که صحت مطالب را تأیید نمایند. در نهایت یافته‌ها تصحیح و تکمیل شد. که در واقع به روش اعتباریابی یا بازبینی توسط مصاحبه‌شوندگان معروف است. بعلاوه این که ارائه نقل‌قول‌ها از مهم‌ترین روش‌ها جهت باورپذیری یافته‌های پژوهش می‌باشد، که در پژوهش حاضر سعی بر آن شد که تا حد امکان از این ظرفیت استفاده شود. همچنین در ارتباط با پایایی پژوهش، جهت اطمینان از عدم اشتباهات آشکار هنگام پیاده کردن داده‌ها، نوشته‌ها به صورت مداوم بررسی شد، بعلاوه این که رمزگذاری نویسندگان پژوهش در ارتباط با یافته‌ها، مقایسه و توافق در همسانی رمزگذاری یافته‌ها به بالاترین

حد رسید. این دو نکته از مهم‌ترین شیوه‌های افزایش پایایی پژوهش‌های کیفی می‌باشند (گیبس، ۲۰۰۷).

ملاحظات اخلاقی پژوهش

در ارتباط با انتخاب موضوع پژوهش، سعی بر آن شد که کیفیت علمی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ضوابط مرتبط با سلامت اخلاقی پژوهش‌های کیفی رعایت گردد. در واقع سعی بر آن شد که پژوهش، صرفاً تکرار تحقیق و یا به قولی (فلیک، ۱۳۹۳: ۵۱)، صرفاً تحقیق برای تحقیق نباشد و بتواند دانش جدیدی به اطلاعات موجود بیفزاید. در ارتباط با محتوای پژوهش، رضایت آگاهانه از مهم‌ترین نکات اخلاقی در پژوهش‌های کیفی است که در پژوهش حاضر رعایت شده است. یعنی این که شرکت‌کنندگان بر اساس اطلاعات ارائه شده از سوی محقق با شرکت در مطالعه به‌صورت داوطلبانه موافقت نمایند (همان: ۵۱). رازداری و حفظ شأن و حقوق شرکت‌کنندگان از دیگر نکات اخلاقی مهم در تحقیق‌های کیفی هستند (فلیک، ۱۳۹۳: ۵۶-۵۳)، که در پژوهش حاضر رعایت شده است. در این راستا سعی بر آن شده که هویت شرکت‌کنندگان کاملاً محرمانه باقی بماند و اطلاعات مربوط به آن‌ها به‌گونه‌ای بکار گرفته شود که دیگران قادر به شناسایی آنان نبوده و هیچ نهادی از این اطلاعات علیه منافع شرکت‌کنندگان استفاده نکند. تمامی افراد مصاحبه‌شونده با کسب اجازه از آن‌ها به‌صورت مخفف ذکر شده و از ذکر نام کامل آن‌ها خودداری شده است.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های این مقاله شامل دو بخش است: بخش اول: ویژگی‌های حاکم بر کارگاه‌های تولیدی زنان و بخش دوم: مسائل و آسیب‌های مرتبط با اشتغال زنان را شامل می‌شود.

ویژگی‌های عمومی کارگاه‌های تولیدی

مشاهده محقق حاکی از آن است که عموماً کارگاه‌ها را در مناطقی که ملک ارزان‌تر و به‌طورکلی هزینه‌های راه‌اندازی کارگاه تولیدی بسیار کمتر است ایجاد می‌کنند. در این میان مکان‌های متروکه و بسیار قدیمی و یا مکان‌های به‌دور از شهر و پارکینگ‌ها بخشی از مکان‌هایی است که کارفرمایان جهت کسب درآمد و اشتغال‌زایی انتخاب می‌کنند. در بسیاری از موارد، مشاهده‌شده که فضای کارگاه تولیدی از استانداردهای اولیه بهره‌مند نبوده و مسائل و مشکلات زیادی را برای کارگران به وجود آورده است. به‌طورکلی بالا بودن هزینه تأسیس یک کارگاه تولیدی و دیگر هزینه‌های جانبی راه‌اندازی کارگاه نظیر رهن و اجاره ساختمان، خرید وسایل جانبی مانند: چرخ‌ها، پارچه و میز، قیچی برش و... یا کمبود منابع مالی کارفرما و بازار فروش کالاهای تولیدی، زمینه و شرایطی است که کارفرمایان را تشویق و حتی مجبور به استفاده از این‌گونه مکان‌های آسیب‌زا می‌کند. در تمام کارگاه‌های مشاهده‌شده توسط محقق، فضای های تاریک و کم‌نور، دیوارهای بعضاً قدیمی و ترک‌خورده به‌دوراز تابش آفتاب، اتاق‌های با سقف کوتاه و راهروهای بسیار باریک و درنهایت سیم‌کشی غیراصولی و غیراستاندارد، از ویژگی‌های حاکم بر کارگاه‌های تولیدی است که محیط کارگاه را برای کارگران زن آسیب‌زا می‌نماید و تمام این‌ها می‌تواند زمینه را برای آسیب جسمی، روحی و امثال آن تسهیل کند. همان‌طور که اشاره شد حرفه افراد خیاطی است و نیازمند روشنایی هرچه بیشتر محیط می‌باشد. با توجه به مشاهدات صورت گرفته، فضای کارگاه‌ها معمولاً کم‌نور و یا تاریک است که بعضاً کارگاه در پارکینگ یا زیرزمین قرار داده می‌شود که از پنجره‌های مناسب برخوردار نیست و بسیاری از کارگران اظهار داشتند که دچار ضعف بینایی شده و آن را نتیجه نور ناکافی و فضای تاریک کارگاه برشمردند.

یکی از افراد مصاحبه‌شونده (خانم: خ.ف) می‌گوید:

«من ۵ سال است که خیاطی می‌کنم ولی چند وقتی است که چشمانم ضعیف شده و تیزی قبل را ندارم و احساس می‌کنم باید به پزشک مراجعه کنم. روشنایی فضای داخل کارگاه هم بسیار کم است و گاهی احساس خفگی می‌کنم و همگی این‌ها به همراه شرایط سخت‌کاری بر روحیه‌مان اثر منفی می‌گذارد ولی مجبوریم به این شرایط ادامه دهیم.»

از دیگر ویژگی‌های این مکان‌ها گردوغبار و اصطلاحاً پرز پارچه‌هایی است که به دلیل برش تعداد بالا تولید می‌شود و یا بوی رنگ و چسب جهت تهیه تصاویر روی لباس‌ها و عدم تهویه مناسب، که باعث ناراحتی‌های ریوی در درازمدت خواهد شد. در بسیاری از مواقع هیچ‌یک از شرایط ایمنی کار رعایت نمی‌شود، مانند وجود کپسول‌های اطفاء حریق، وسایل ایمنی کار با دستگاه‌های برش، لباس مناسب کار، ماسک و ... در چند کارگاه مشاهده شده حتی آشپزخانه وجود نداشته و تنها یک گاز تک شعله‌ای کنار لباس‌های قابل اشتعال قرار داشته که در مواقع لزوم از آن استفاده می‌شود. به دلیل کوچک بودن فضا و نبود جایی برای استراحت، کارگران برای صرف نهار از میزهای برش یا بر روی زمین برای استراحت و خواب استفاده می‌کنند. یکی دیگر از مهم‌ترین مسائل در این کارگاه‌ها مسئله بهداشت است. سرویس بهداشتی کارگاه‌ها عموماً از وضعیت مناسبی برخوردار نبوده و چه از لحاظ ظاهری و چه دیگر امکانات نظیر مایع یا صابون بهداشتی، باید گفت که متأسفانه حداقل چیزها رعایت نشده است که همین موضوع موجب نارضایتی فراوان زنان کارگر شده و احتمال بروز و انتقال بیماری‌های پوستی را افزایش می‌دهد. کمبود امکانات گرمایشی و سرمایشی مناسب که باعث سخت‌تر شدن کار برای کارگران می‌باشد، از دیگر ویژگی‌های این مکان‌ها است. یکی از افراد مصاحبه‌شونده (خانم: ر.غ) می‌گوید:

«محیط کارگاه ما بسیار سرد است و من به دلیل سرما کلیه درد شدیدی می‌گیرم و هرگاه که سرد بودن را تذکر می‌دهم می‌گویند پول خرید بخاری نداریم و اگر خیلی ناراحتی می‌توانی اینجا را ترک کنی!»

ویژگی‌های عمومی زنان شاغل در کارگاه‌ها

بی‌سواد و یا کم‌سواد یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های زنان شاغل در کارگاه‌های تولیدی است. به طوری که اکثریت آنان عموماً در مقاطع پایین‌تر از راهنمایی ترک تحصیل کرده‌اند. به طوری که از ۱۵ نفری که با آن‌ها مصاحبه‌های باز صورت پذیرفت، ۵ نفر دارای مدرک ابتدایی، ۸ نفر راهنمایی و ۲ نفر دارای تحصیلات دبیرستان بودند. عموماً از حداقل مهارت‌ها و تخصص‌ها برخوردارند. فقر فرهنگی و اجتماعی از مشخصه‌های اصلی آنان است، به طوری که بر جنبه‌های مختلف زندگی آن‌ها حتی اشتغالشان تأثیرگذار بوده است. در ارتباط با نوع سرپرستی زنان شاغل در کارگاه‌های تولیدی بر طبق یافته‌های پژوهش، می‌توان چندین دسته را از هم تمیز داد:

دسته اول: کسانی هستند که مرد حضور دارد ولی به دلیل از کارافتادگی، اعتیاد و... قادر به کار کردن یا کسب درآمد برای خانواده نیست و مسئولیت اصلی و سنگین تأمین هزینه‌های زندگی بر دوش زنان است.

دسته دوم: کسانی هستند که همسر آن‌ها فوت کرده و یا طلاق گرفته‌اند و هم‌اکنون جهت کسب درآمد به این‌گونه مشاغل روی آورده‌اند.

دسته سوم: کسانی هستند که همسر دارند و همسر آن‌ها اشتغال دارد ولی درآمدش پاسخ‌گوی هزینه‌های زندگی نیست و بالاجبار برای جبران بخشی از هزینه‌های خانواده به اشتغال روی آورده است.

گروه هدف پژوهش عمدتاً مهاجر بوده و در سال‌های دور و نزدیک به تهران مهاجرت کرده‌اند. شغل همسران این افراد اکثراً کارگری ساده (کار با موتور، نگهبان، سرایدار، کارگر فصلی و...) بوده و این افراد هم عمدتاً از حمایت‌های اجتماعی برخوردار نیستند.

مسائل و آسیب‌های مرتبط با اشتغال زنان

ویژگی‌های حاکم بر کارگاه‌های تولیدی همان‌طور که در بالا بدان اشاره کردیم از یک‌طرف و شرایط دشواری که زنان به دلایلی نظیر از دست دادن سرپرست، بد سرپرستی و ... با آن مواجه‌اند، از سوی دیگر به‌گونه‌ای است که زمینه را برای مسائل و آسیب‌های زیادی فراهم می‌کند که در اینجا سعی کرده‌ایم ضمن استخراج آن‌ها، در قالب تم‌هایی به شرح زیر به توصیف آن‌ها بپردازیم.

۱- تعدد نقش‌ها و مسئولیت‌ها

از مهم‌ترین نتایج حاصل از مصاحبه و مشاهدات صورت پذیرفته، مسئله تعدد و فشار نقش‌ها می‌باشد. موضوعی که زنان را با نوعی چندگانگی در ایفای نقش مواجه نموده و زمینه‌های نارضایتی و حتی آسیب‌پذیری آن‌ها را می‌تواند موجب شود. این نگرش و ذهنیت وجود دارد که امور تربیت بچه، خانه‌داری و هر آنچه مربوط به حوزه کار منزل می‌شود صرفاً مربوط به زنان است و معمولاً زنان در این حوزه خیلی حمایت خاصی از طرف مردان ندارند و از طرفی دیگر زنان کارگر که مجبور به تهیه معاش و کمک اقتصادی خانواده هستند باید هر دو فعالیت را انجام دهند. همه پاسخگویان بلااستثنا اظهار داشته‌اند که دچار تعدد نقش و فشار نقش شده‌اند که با توجه به شرایط سخت کار، در هیچ جایی جبران نمی‌شود.

یکی از افراد مصاحبه‌شونده (خانم: م.ر) معتقد است:

«خیلی سخت است که تمام مسئولیت‌های زندگی بر دوش من است. هم باید خانه را جمع‌وجور کنم و هم به کار با ساعات طولانی بپردازم. هیچ زمانی را نمی‌توانم به خود اختصاص دهم، تفریح که جای خود دارد و در زندگی ما تعریف نشده ولی زمانی را که برای استراحت یا به کارهای شخصی بپردازم ندارم.»

یکی دیگر از آن‌ها (خانم: د.ک) معتقد است:

«از صبح زود که بیدار می‌شوی باید کار کنی تا شب. بعضی مواقع واقعاً خسته می‌شوم و تصمیم می‌گیرم کار را رها کنم. از ساعت ۸ صبح تا ۶ عصر سرکار هستم و فرزندانم را به همسایه یا مادر بزرگشان می‌سپارم، زمانی که به خانه برمی‌گردم باید شام درست کنم و به شستن ظرف یا دیگر کارهای منزل بپردازم بدون آن که کمکم کنند.»
در ادامه یکی از آن‌ها می‌گوید (خانم ز.م):

«وقتی که هم بخواهی کار کنی و هم مسئولیت منزل و فرزندان را بر عهده داشته باشی، دچار فرسودگی می‌شوی. خیلی اوقات که سرکار هستم، نگران وضعیت منزل و فرزندان کوچکم هستم. فرزند کوچکم را دست همسایه‌ها یا فامیل می‌سپارم و مداوم دلواپس هستم.»

۲- کار زیاد در برابر دستمزد اندک

دستمزد اندک و انتظار کار زیاد از سوی کارفرما از دیگر مسائل و مشکلات مهم منتج از پژوهش و مرتبط با زنان شاغل در کارگاه‌های تولیدی است که موجب نارضایتی آن‌ها و درنهایت فرسودگی شغلی آن‌ها می‌شود. به‌واقع به علت نیروی کار زیاد و تقاضای بالا برای کار و موقعیت‌های شغلی اندک، ابتکار عمل در دستان کارفرمایان است. به این معنا که کارفرما با دستان بازتری می‌تواند دستمزدها را پایین نگه‌داشته و حتی بهره‌کشی را بالا ببرد که البته همین موضوع هم اتفاق می‌افتد. فقط کافی است کسی اعتراض کند تا به‌راحتی جایگزین وی، موقعیت او را اشغال کند. ترس از بیکاری، نداشتن حمایت‌های اجتماعی، عدم حمایت مناسب از سوی سازمان‌های ذی‌ربط نظیر کمیته امداد و عوامل دیگری مانند: عدم مسکن و ناامنی شغلی در سایر بخش‌ها، باعث تن دردادن به‌سختی کار و ماندن در شرایط آسیب‌زا می‌شود.
یکی از آن‌ها (خانم ف.آ) در این رابطه می‌گوید:

«کار ما نیاز به تخصص و مهارت خاصی ندارد. خیلی از خانم‌ها مهارت کار کردن با چرخ خیاطی را می‌دانند. از بس نیروی کار زیاد است و به راحتی جایگزین ما می‌شود، همین کافی است تا ما جرات اعتراض کردن را نداشته باشیم.»

علاوه بر مسئله دستمزد اندک، در این گونه فعالیت‌ها که زنان عموماً تخصص و سواد و مهارت کمتری دارا هستند، موضوع افزایش دستمزد به عنوان یکی از آیتم‌های مهم قانون کار و کارگری کمتر عملی می‌شود. در واقع در این گونه مشاغل تأکید بر کار زیاد می‌باشد تا مهارت و تخصص در انجام کار.

یکی از افراد مصاحبه‌شونده (خانم: ت.ع) در این رابطه می‌گوید:

«حدوداً ۷ سال می‌باشد که در این کارگاه‌ها کار می‌کنم. از این کارگاه به آن کارگاه. سابقه کاری برای کارفرماها کمتر مطرح است و در واقع هرچه سن و سال بالاتر می‌رود توان کار کردن هم پایین می‌آید. کارفرماها بیشتر به دنبال کسانی هستند که زیاد کار کنند و سابقه کار خیلی مهم نیست.»

در کنار تمام موارد یادشده، اکثریت زنان اظهار داشته‌اند که با میزان ساعات و کم و کیف کاری برابر و حتی بیشتر از مردان، حقوق کمتری دریافت می‌کنند و در بسیاری از شغل‌ها و محیط‌ها فعالیت زنان کمتر از آنچه واقعاً انجام می‌دهند جلوه داده می‌شود. یکی از آن‌ها (خانم: د.ج) در این رابطه می‌گوید:

«خیلی اوقات ساعات کاری ما بیشتر از مردهاست و حتی سختی کار ما بالاست. ولی متأسفانه دریافتی یا حقوق و حقوق ما کمتر از مردان است. چون مجبوریم هزینه‌های زندگی را تأمین کنیم، به این قضایا اعتراض نمی‌کنیم.»

بایستی اضافه نمود که برخی از زنان عموماً به دلیل مسئولیت‌های خانوادگی مجبورند که به شکل پاره‌وقت کار کنند و این در حالی است که حقوق آن به مراتب پایین‌تر آمده و میزان رضایت آن‌ها بسیار پایین است.

۳- عدم احساس امنیت

احساس امنیت یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های زنان برای یک شغل مناسب است که در واقع شامل ابعاد جسمی، روحی و روانی، عاطفی و... می‌باشد. مسلم است که تمام این ابعاد بر هم تأثیر گذاشته و از هم تأثیر می‌پذیرند. فراهم بودن و یا نبودن امنیت در ابعاد مختلف تأثیرات زیادی بر سلامت افراد و ماندن یا نماندن آن‌ها در محیط کارگاه‌ها دارد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در بسیاری مواقع بیشتر زنان شاغل در کارگاه‌ها احساس امنیت لازم در محیط کار را ندارند و در مواقعی زنان مورد سوءاستفاده جنسی، روحی، اذیت و آزار کلامی و غیرکلامی، توهین و تحقیر قرار می‌گیرند.

یکی از افراد مصاحبه‌شونده (خانم: ز.ب) معتقد است:

«من معمولاً شیک و به‌روز لباس می‌پوشم، به این محیط کار که می‌آیم احساس امنیت ندارم. تا به حال چند بار به من پیشنهاد دوستی هم شده؛ در واقع از محیط کارگاه می‌ترسم و سعی می‌کنم ساعت رفت و آمدم را همزمان با همکاران خانم تنظیم کنم و یا زمانی که حضور نداشته باشم (مثلاً ساعات نهار) به بهانه‌ای به خانه برگردم. اصلاً احساس راحتی و امنیت ندارم.»

یکی دیگر از آن‌ها (خانم: ن.ج) در این رابطه می‌گوید:

«وقتی که وارد چنین محیطی می‌شوی باید حواست را حسابی جمع کنی که مبادا از حرف یا خنده‌ای برداشت اشتباهی شود و بعداً مزاحمی داشته باشی. زمانی بود که رفتارهای صاحب‌کارم بسیار مشکوک شده و

چند بار اشاره کرد که می‌خواهم حرفی را خصوصی به تو بگویم و زمان اتمام ساعت کار همه را مرخصی داد ولی مرا مجبور به اتمام خیاطی‌هایم کرد. خداروشکر همکار خانمم اظهار داشت که تا تمام شدن کارت منتظر تو می‌مانم و با او محل کار را ترک کردم. من نیز برای همیشه آن کار را رها کرده و به سرکار بازنگشتم.»

و در ادامه می‌گوید:

«در محیط کار قبلی‌ام تعدادی دختر کم‌سن و سال افغان مشغول به کار بودند که شاهد سوءاستفاده صاحب‌کار از آن دختران بودم که در ازای لباس یا کمی حقوق بیشتر آن‌ها را مورد سوءاستفاده جنسی قرار می‌داد که اظهار نارضایتی را از سوی دختران که مجبور به کار بوده و خانواده‌ای جهت حمایت نداشتند واقعاً احساساتم را جریحه‌دار می‌کرد.»

از دیگر نتایج پژوهش می‌توان به عدم نزاکت و آزار کلامی اشاره کرد که تقریباً همه پاسخ‌گویان اظهار کردند شاهد این نوع رفتارها بوده‌اند. یکی از آن‌ها (خانم س.ح) در این رابطه می‌گوید:

«همکاران مرد معمولاً با کلام زشت و بی‌ادبانه صحبت می‌کنند یا حتی زنان و دختران جوان را اذیت می‌کنند. هیچ‌کس هم به رفتار آن‌ها معترض نیست. درک این قضیه را ندارند که در اینجا خانم‌هایی هم حضور دارند و باید بدان‌ها احترام گذاشت. از کنار خیلی حرف‌ها و نیش و کنایه‌ها باید گذشت و گرنه همیشه این‌جور مکان‌ها را تحمل کرد.»

۴- عدم امنیت شغلی و حمایت‌های اجتماعی مرتبط با مشاغل

از دیگر یافته‌های پژوهش عدم امنیت شغلی و حمایت‌های اجتماعی مرتبط با مشاغل می‌باشد که تمامی افراد مصاحبه‌شونده بر آن تأکید داشته و از دغدغه‌های اصلی

آن‌ها محسوب می‌شود. هرچند امنیت شغلی از ابعاد احساس امنیت می‌باشد ولی با توجه به اهمیت موضوع و مسائل و مشکلات مترتب بر آن، تم دیگری را بدان اختصاص داده و ضمن توصیف و تشریح بیشتر موضوع به ذکر تجربه‌های زنده مرتبط با موضوع خواهیم پرداخت. این مطالعه نشان می‌دهد که بیشتر زنان کارگر در کارگاه‌های تولیدی مختلف، تحت پوشش هیچ نوع بیمه‌ای نبوده و تنها یک نفر از زنان در یکی از کارگاه‌ها (خانم: ن.ص) اظهار داشت که بیمه بوده است:

من سال‌ها در اینجا کار کرده و سابقه بسیار طولانی دارم شاید به دلیل این که بیمه هستم تا به حال اخراج نشده‌ام. هرچند که دوستانم در محیط‌های اداری مشغول به کار شده‌اند و من از آن‌ها جا ماندم، اما به هر حال سعی کردم که بیمه شوم تا از بار مشکلاتم کم شود».

ثابت نبودن مکان کارگاه از دیگر مؤلفه‌های ناامنی شغلی می‌باشد که به دلایل مختلف توسط کارفرمایان اعمال می‌شود و در این میان بالا رفتن هزینه اجاره و یا دور بودن از دسترس مأموران بیمه از مهم‌ترین دلایل موضوع محسوب می‌شود.

یکی از افراد مصاحبه‌شونده (خانم: ل.م) در این رابطه می‌گوید:

«شرایط کار در محیط کارگاه نامناسب است. کارمان ثابت نیست، امروز اینجاست و ممکن است فردا به محله و منطقه دیگر نقل مکان کنند. در حال حاضر مجبورم راه طولانی را برای رسیدن به کار طی کنم ولی ممکن است به دلایل مختلف، در آینده برای صاحب‌کار صرف نکند و به جای دیگری نقل مکان کند».

عدم نظارت دقیق دستگاه‌های دولتی در محیط کارگاه‌ها از دیگر مسائل مهم منتج از پژوهش است. به طوری که این نظارت‌ها یا نبوده و یا این که بندرت صورت می‌پذیرد و به همین دلیل زنان کارگر صدایشان به گوش مسئولین ذی‌ربط نمی‌رسد و فرایند ضایع شدن حقوق و حقوق آن‌ها همچنان ادامه خواهد داشت. زنانی که به دلایل مختلف نظیر از کارافتادگی همسر، فوت همسر، زندانی بودن همسر فقر و مشکلات

مالی و... بالاجبار وارد بازار کار شده‌اند و بنا بر شرایط فوق به‌گونه‌ای در معرض آسیب محسوب می‌شوند و نیازمند حمایت‌های کارآمد از سوی نهادهای ذی‌ربط می‌باشند. در این شرایط نه حمایت‌های اجتماعی اولیه (پس از به وجود آمدن شرایط دشوار) از آنها صورت می‌گیرد و نه این امید و فرصت را دارند که پس از ورود به بازار کار، حمایت و نظارت‌های کارآمد از سوی نهادهای نظارتی و بازرسی را داشته باشند. شرایطی که امکان آسیب‌پذیری آنها و بخش مهمی از جمعیت مرتبط با آنها نظیر فرزندان خانواده را هرچه بیشتر تسهیل می‌کند.

یکی از افراد مصاحبه‌شونده در این رابطه می‌گوید:

قوانین مربوط به حقوق کارگران در اینجا اجرا نمی‌شود. نه بیمه هستیم، نه حقوق ثابت، نه شرایط محیطی مناسب و نه ساعت کار مشخص. تمام این شرایط برای ما خسته‌کننده و طاقت فرسا است. حق اعتراض به شرایط رو نداریم چون هیچ سازمانی از ما حمایت نمی‌کند و هر وقت هم اعتراض کنیم کارفرما راحت می‌گوید اگر نمی‌خواهید یا نمی‌توانید بروید جایی دیگر.

۵- عدم آشنایی کافی زنان با مهارت‌های اجتماعی و زندگی

اگرچه افزایش مشارکت زنان در حوزه اقتصادی شرط لازم برای توانمندسازی آنان است ولی کافی نیست. توانمندسازی زنان نیازمند نگاهی عمیق‌تر و برخوردی همه‌جانبه تر است، به‌ویژه آن که جمعیت زنان، یک گروه همگن و واحد نیستند. زنان جمعیتی هستند که در میان آنها گروه‌های متعددی مانند: زنان فقیر، اقلیت‌های قومی، سرپرست خانوار و... وجود دارد. تحقق این فرآیند برای زنان، نیازمند توجه همزمان و دوطرفه به ابعاد آگاه‌سازی و مهارت‌های فنی و حرفه‌ای است. در واقع آموزش و فراگیری مهارت‌های اجتماعی و زندگی نقش مهمی در افزایش میزان سلامت زنان در ابعاد مختلف اجتماعی، روحی و روانی، شغلی و... دارد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن

است که محیط حاکم بر فضای تولیدی و دیگر تنش‌ها و فشارهای کاری و غیر کاری که زنان با آن درگیر هستند احتمال آسیب‌پذیری آن‌ها را افزایش می‌دهد و این در حالی است که اکثریت این زنان از حداقل آموزش‌ها و مهارت‌ها محروم بوده‌اند و توانایی حل مسائل پیش رو را کمتر دارا هستند. در واقع وضعیت و شرایط ابتدایی این زنان به‌گونه‌ای است که در وضعیت دشواری قرار دارند و به دلایل مختلف نظیر نداشتن سرپرست، تعدد نقش‌ها و مسئولیت‌ها، نداشتن حمایت‌های اجتماعی کارآمد و بسیاری مسائل دیگر، وضعیت دشواری را تجربه کرده‌اند و می‌کنند که این وضعیت زمانی که با شرایط و محیط تنش‌زا و آسیب‌زای کاری همراه می‌شود، احتمال بروز آسیب را مضاعف می‌کند.

یکی از افراد مصاحبه‌شونده (خانم ل.م) در این رابطه می‌گوید:

«کار ما سخت و اذیت‌کننده است. فشارهای جسمی و روانی زیادی را روزانه متحمل میشیم چون معمولاً ساعات کاری اینجور مکان‌ها زیاد است.»

یکی دیگر از آن‌ها (خانم ف.آ) می‌گوید:

«ما مهارت لازم برای برخورد با فرزندان و همسرمان را بلد نیستیم. حتی فرزندان و همسرمان در هیچ دوره‌ای از زندگی این مهارت‌ها را یاد نگرفته‌اند. سختی و فشار کار از یک طرف و مشکلات دیگر زندگی از طرف دیگر باعث شده که ما در زندگی‌مون تحت فشار و استرس باشیم.»

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که فضای حاکم بر کارگاه‌های تولیدی به‌گونه‌ای است که تهدیدکننده سلامت زنان شاغل در ابعاد مختلف جسمی، روحی - روانی،

اجتماعی، شغلی و ... بوده و زمینه را برای آسیب‌پذیری هرچه بیشتر آنان فراهم می‌کند. همچنین زنان کارگر شاغل در کارگاه‌های تولیدی با مسائلی مانند: پایین بودن میزان دستمزد، بهداشت روانی پایین، تعدد و فشار نقش‌ها و مسئولیت‌ها، نداشتن حمایت‌های اجتماعی کارآمد، عدم امنیت شغلی و عدم احساس امنیت روحی و روانی شدید مواجه هستند. همچنین از مهم‌ترین دلایل اشتغال و حضور زنان در کارگاه‌های تولیدی می‌توان به مواردی نظیر ازکارافتادگی همسر، بیکاری، اعتیاد همسر، طلاق و ... اشاره نمود. نتایج تحقیق حاضر به گونه‌ای با تحقیقات پیشین ارتباط تنگاتنگی دارد، که در اینجا به بخشی از موارد قابل توجه پرداخته می‌شود. به‌طور مثال، در تحقیق حاضر و تحقیقی که توسط لادن نوروزی انجام شده است، عدم تعادل‌ها و وجود تفاوت‌ها در ساختار اشتغال و بازار کار ایران موضوعی قابل توجه بوده است که بی‌عدالتی جنسیتی و روند گسترش آسیب‌های اجتماعی می‌تواند از جمله پیامدهای آن باشد. همچنین نتایج تحقیق حاضر و تحقیقات گذشته بیانگر این است که وضعیت درآمدی خانواده‌ها به گونه‌ای است که بخشی از زنان بالاجبار می‌بایست وارد بازار اشتغال شوند که در این فرایند مسائلی آنان را تهدید کرده و آسیب‌پذیری آنان را به دنبال دارد. تحصیلات نیز به‌عنوان یک آیتم اصلی در تحقیقات پیشین مدنظر می‌باشد که در تحقیق حاضر مشخص شد اکثریت زنان درگیر در پژوهش از حداقل تحصیلات و مهارت‌ها برخوردار بوده و همین موضوع باعث شده که آنان به مشاغلی با درآمد بسیار پایین و شرایط کاری سخت تن بدهند. بعلاوه این که تعدد نقش‌ها و مسئولیت‌ها و مسائل مرتبط با آن از جمله مواردی است که هم در تحقیق حاضر و هم تحقیقات پیشین بر آن تأکید شده است. تفاوت‌های اجتماعی در میزان درآمد و شرایط کاری مردان و زنان از دیگر موارد قابل ذکر است.

در ارتباط با نظریه‌های مرتبط با یافته‌ها باید گفت که، نظریه زنانه شدن فقر بیان می‌کند که زنان در شرایط طاقت‌فرسا کار می‌کنند و به دلیل مسئولیت‌های خانوادگی و شغلی شرایط سختی را متحمل می‌شوند و عمدتاً در مشاغل کم درآمد و پاره‌وقت کار

می‌نمایند. تأکید نظریه جنسیتی بر موقعیت زنان در نظام کلی اجتماعی است و معتقد بر آن است که مشاغل زنانه، انعکاسی از نقش خانگی آن‌ها است و همان‌گونه که در بیشتر جوامع، کارخانگی کم‌ارزش انگاشته می‌شود، این مشاغل و مهارت‌ها نیز در بازار کار، کم‌ارزش به حساب می‌آیند؛ تئوری‌های نوکلاسیک مطرح می‌کنند که مسئولیت‌های خانوادگی زنان، عدم امکان کار تمام‌وقت و نداشتن مهارت‌های فنی و حرفه‌ای جهت پرداختن به مشاغل پردرآمد از جمله مواردی است که میزان درآمد و رضایت زنان را در مقایسه با مردان پایین می‌آورد. نظام تعاریف اجتماعی جنسی در نظریه چافتز جایگاه بسیار مهمی دارد. نظریه قشربندی جنسیتی ژانت چافتز بر باورهای قالبی، ایدئولوژی و نظام جنسیتی حاکم تأکید دارد که منزلت و جایگاه اجتماعی پایینی را در حوزه اشتغال برای زنان در مقایسه با مردان رقم‌زده است. در نهایت نظریه تواناسازی به‌عنوان یکی از نظریه‌های کاربردی در حوزه اشتغال زنان، بر آگاهی بخشی به زنان تأکید دارد و راه‌حل را در مواردی همچون، خودباوری، اعتمادبه‌نفس در پذیرش و توزیع نقش‌ها (چه در خانواده و چه کار)، استفاده از توانایی‌ها و خلاقیت‌های فردی و نظایر آن می‌داند.

با کنکاش در نظریه‌های یادشده و یافته‌های به‌دست‌آمده از پژوهش، می‌توان گفت که ما شاهد نوعی بی‌عدالتی جنسیتی هستیم. نوعی از بی‌عدالتی اجتماعی که بیشتر در مورد گروه‌هایی اعمال می‌شود که نه قدرت دارند و نه آگاهی لازم برای دفاع از حقوق خود. با توجه به این که زنان بیشتر تمایل به انجام مشاغل غیررسمی یا پاره‌وقت دارند، نسبت به حقوق خود آگاهی لازم را نداشته و بیشتر تحت استثمار قرار می‌گیرند و بدیهی است که به دلیل بی‌اطلاعی از حقوق خود قادر به مطالبه آن‌ها نیستند. واقعیت این است که در برخی از کشورهای در حال توسعه نظیر ایران، زنان را اغلب به دلیل آن که مطیع‌ترند و کمتر در دسر ایجاد می‌کنند، استخدام می‌نمایند. کار باید درآمدی که شخص بتواند با آن زندگی کند را تأمین نماید و به‌گونه‌ای باشد که باعث پیشرفت شخصیت وی شود. در واقع کار باید به‌گونه‌ای باشد که نه تنها تأمین‌کننده

زندگی افراد از لحاظ مادی باشد بلکه سبب شکوفایی خلاقیت آنان نیز شود (سام آرام، ۱۳۹۱: ۸۶).

در پایان باید گفت که پژوهش حاضر بر مؤلفه‌های کار شایسته به‌عنوان یکی از نظریه‌های کاربردی مرتبط با مددکاری اجتماعی و اشتغال زنان تأکید دارد. کار شایسته مسیر توسعه اقتصادی و اجتماعی را روشن می‌کند. مسیری که در آن، اشتغال، درآمد و حمایت اجتماعی بدون به مخاطره انداختن حقوق کارگران و استانداردهای اجتماعی قابل دستیابی است. سه‌جانبه‌گرایی و گفتگوی اجتماعی نیز مشارکت و آزادی را تأمین می‌کنند. دولت‌ها موظفند سیاست‌هایی را پیاده کنند که اشتغال مولد و پایدار و هم‌چنین دسترسی برابر اشتغال را ارتقا دهد (سام آرام، ۱۳۹۱: ۸۶-۸۵).

حال با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهادهای کاربردی و پژوهشی مورد نظر ارائه

می‌شود:

- توجه و لحاظ کردن مؤلفه‌های کار شایسته به‌منظور ارتقای مشارکت اجتماعی زنان، شامل حقوق بنیادین کار، گفتگوهای اجتماعی، حمایت‌های اجتماعی و آموزش و اشتغال مولد.

- تدوین قوانین و مصوبات اساسی قابل اجرا جهت حمایت از زنان شاغل در بازار کار غیررسمی نظیر کارگاه‌های تولیدی و نظارت دقیق بر چگونگی اجرای آن‌ها.

- اصلاح و بازنگری قوانین و مقررات تأمین اجتماعی و روابط کار، تغییر در قوانین تأمین اجتماعی و روابط کار بر اساس سازوکار سه‌جانبه (دولت، کارگر، کارفرما) به‌منظور تعامل و انعطاف بیشتر در بازار کار.

- آموزش حقوق مربوط به کار و شغل به زنان به‌منظور پیگیری حقوق و حقوق خویش از سازمان‌های ذی‌ربط و تسهیل سازی در فراهم کردن فضایی امن و به‌دور از تنش در کارگاه‌های تولیدی.

- تأسیس و توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) به‌منظور حمایت همه‌جانبه از

زنان در معرض آسیب.

تجربه زیسته زنان شاغل در کارگاه‌های تولیدی ... ۱۰۵

- حمایت‌های سیستماتیک و کارآمد از زنان، بخصوص زنان درگیر در وضعیت دشوار باهدف توانمندسازی واقعی توسط نهادهای ذی‌ربط نظیر کمیته امداد، بهزیستی و ...

- آموزش مهارت‌های اجتماعی و زندگی به زنان و بخصوص گروه هدف پژوهش در راستای تقویت ابعاد توانمندسازی زنان.

- جلوگیری از ورود کالاهای مشابه خارجی که در کشور قابل تولید است و انگیزه را برای تولید و سرمایه‌گذاری توسط نیروهای داخلی از بین می‌برد.

- تصویب و اجرای قوانینی که بر طبق آن زنان دارای وضعیت دشوار می‌بایست در مشاغلی مناسب و دارای حمایت‌های اجتماعی کارآمد مشغول به کار شوند.

- انجام پژوهش‌های ترکیبی (کمی - کیفی/کیفی - کمی) جهت به دست آوردن نتایج و یافته‌های مکمل.

- پژوهش در زمینه مسائل و مشکلات خانواده‌های زنان شاغل در کارگاه‌های تولیدی (خیاطی).

نقاط قوت و ضعف پژوهش

نقاط قوت

- روش کیفی و عمقی نگر و به دست آوردن نتایج و یافته‌های واقعی‌تر

- مشارکتی بودن فرایند اجرای پژوهش (نویسندگان پژوهش) و استفاده از تجربیات چندساله کار با زنان

- بررسی پژوهش توسط ارزیاب بیرونی (افراد فعال در حوزه زنان شاغل در کارگاه‌های تولیدی) و اصلاح و تکمیل مقاله

نقاط ضعف

- اندک بودن پژوهش‌های انجام‌شده مرتبط با کار زنان در کارگاه‌های تولیدی خیاطی

- محدودیت در ورود به مراکز تولیدی و فرایند کسب اطلاعات
- عدم اختصاص بودجه و حمایت‌های مالی در راستای فرایند انجام تحقیق

منابع

- بامداد، شیدا. (۱۳۷۵)، بررسی عوامل مؤثر بر میزان‌های اشتغال در ۲۵۲ شهرستان کشور، تهران: سازمان برنامه‌وبودجه، *مجموعه مقالات مباحث و مقالات همایش تدوین برنامه سوم توسعه کشور*.
- توکلی والا، ژاله. (۱۳۸۸)، بررسی موانع اجتماعی و فرهنگی اشتغال زنان ایران در دهه‌های اخیر، *مجله اینترنتی فصل نو*، سال چهارم، شماره ۵۳.
- ربیعی، مرجان. (۱۳۹۰)، بررسی تعدد نقش و سلامت روان زنان سرپرست خانوار با تمرکز بر روی دستفروشان مترو، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور. (۱۳۸۷). «مجموعه گزارش‌های عمل کرد اقتصاد و نظارت بر عمل کرد برنامه اول دوم سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران»، تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- سازمان بین‌المللی کار. (۱۳۸۳)، اندازه‌گیری کار شایسته با استفاده از شاخص‌های آماری، مترجم: رضا پور خردمند، تهران، موسسه کار و تأمین اجتماعی.
- سام آرام، عزت‌الله. (۱۳۹۱)، *نظریه‌های مددکاری اجتماعی*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- شادی طلب، ژاله، وهابی، معصومه و حسن ورمزیار (۱۳۸۴)، فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال چهارم، شماره ۱۷.

تجربه زیسته زنان شاغل در کارگاه‌های تولیدی ... ۱۰۷

- طاعتی، سارا. (۱۳۸۹)، اثرات آزادسازی اقتصادی بر شکاف‌های جنسیتی دستمزد در ایران (۱۳۷۴-۱۳۸۶)، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه اصفهان.
- غلامی، نجمه؛ ابو نوری، اسمعیل. (۱۳۸۸)، بررسی روند اشتغال زنان در مقایسه با مردان، و عوامل مؤثر بر سهم اشتغال زنان در بخش صنعت ایران، *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، سال ۷، شماره ۱.
- فلیک، اووه. (۱۳۹۳)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- کار، مهرانگیز. (۱۳۷۳)، *زنان در بازار کار ایران*، تهران: انتشارات روشنگران.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۳)، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- معیدفر، سعید و نفیسه حمیدی. (۱۳۷۳)، زنان سرپرست خانوار: ناگفته‌ها و آسیب‌های اجتماعی، *فصلنامه نامه علوم اجتماعی*، زمستان ۸۶، شماره ۵.
- نوروزی، لادن. (۱۳۸۲)، تفاوت‌های جنسیتی در ساختار اشتغال، *پژوهش زنان*، سال دوم، شماره یکم.
- هادیان، ابراهیم و علی حیدر پور. (۱۳۷۳)، توسعه اقتصادی و سهم زنان در نیروی کار/مورد ایران (۱۳۷۵-۱۳۵۵)، *فصلنامه جمعیت*، شماره‌های ۲۷ و ۲۸.
- یزدخواستی، بهجت و احمدی، وکیل. (۱۳۸۶)، بررسی وضعیت فعالیت و اشتغال زنان در ایران با تأکید بر سرشماری ۱۳۸۵، *مطالعات زنان*، سال اول، شماره سوم.
- Bahramitash, R. (2005). *Libration from Liberalization: Gender and Globalization in Southeast Asia*, Zed books.
- Kayode F. et al. (2006). Distance Education as a women Empowerment strategy in Africa, *Turkish online Journal of Distance Education*, Vol.7, No.1.

- Lincoln, Y.S. & Guba, E.G. (1985). *Naturalistic inquiry*. Beverly Hills, CA: Sage.
- Momsen, J. H., (2004). *Gender and Development*, London: Routledge.
- Gibbs, G.R. (2007). *Analyzing qualitative data*. In U. Flick (Ed). The sage qualitative research Kit. London: Sage.
- Turner, Jonathan, H. (1999). *The structure of sociological Theory*, sixth Edition Wadsworth Publishing Co.
- Oxaal, Zeo and Sally Baden. (1997). *Gender and Empowerment: Definition, Approach and Implication For policy*. Bridge, Report No,40. Briefing Prepared For The Swedish International Development Cooperation Agency (Sida).
- Wolcott, H. (2008a). *Writing up qualitative research* (3rd ed.). London: Sage Publication.

